

افزایش حقوق یا کاهش فشار مالیاتی؟



وحید عظیم‌نیا دبیر گروه اقتصادی

قدرت خرید خانوارها به نقطه‌ای رسیده است که تصمیمات غلط بودجه‌ای، بی‌واسطه و فوری، بر معیشت آنها اثر می‌گذارد و همین واقعیت، اهمیت لایحه بودجه‌۱۴۰۵ را برجسته می‌کندو موضوع افزایش حقوق کارکنان و دستمزد کارگران، همزمان با سیاست‌های مالیاتی دولت در مرکز توجه افکار عمومی و محافل کارشناسی قرار گرفته است، مبنی بر اینکه آیا مجموعه تصمیمات پیش‌بینی‌شده می‌تواند به تقویت واقعی قدرت خرید منجر شود یا فقط جابه‌جایی اعداد در جداول بودجه را رقم خواهد زد.

طرح چنین نکاتی دور از ذهن نیست چراکه تورم مزمن، فاصله میان درآمد هزینه زندگی را به‌گونه‌ای افزایش داده است که بخش بزرگی از جامعه، افزایش‌های محدود حقوق را بی‌اثر می‌داند. بر همین اساس، گروهی از کارشناسان و فعالان کارگری بر این باورند که رشد حقوق باید به‌طور معنادار و حتی فراتر از نرخ‌های اعلامی تورم باشد تا بخشی از کاهش قدرت خرید جبران شود. از نگاه آنان، تئل در این زمینه به تداوم فرسایش معیشتی و بروز پیامدهای اجتماعی و اقتصادی گسترده منجر خواهد شد که هزینه‌های آن در آینده به مراتب سنگین‌تر خواهد بود. در برابر این دیدگاه، گروهی از تحلیلگران اقتصادی با نگاهی محتاطانه‌تر به موضوع می‌نگرند و هشدار می‌دهند که افزایش شدید حقوق، بدون اصلاح همزمان ساختار درآمدی دولت، می‌تواند فشارهای جدیدی بر اقتصاد تحمیل کند، چه آنکه تجربه نشان می‌دهد هر گاه افزایش حقوق بدون پشتوانه پایدار اجرا شده، دولت برای جبران کسری منابع به ابزارهای مالیاتی با روش‌های غیرمستقیم متوسل شده و در نهایت بخشی از افزایش دریافتی مردم از مسیرهایی دیگر به‌خرانه بازگشته است. بنابراین نتیجه چنین چرخه‌ای، تضعیف اثر واقعی افزایش حقوق بوده است.

آنچه در میان این دو رویکرد کمتر به‌صورت منسجم‌مورد توجه قرار گرفته، تمرکز بر مفهوم قدرت خرید واقعی است و به‌نظر می‌رسد افزایش حقوق به‌تنهایی، بدون توجه به سمت هزینه‌ها، نمی‌تواند تضمین‌کننده بهبود معیشت باشد. زمانی که همزمان با رشد حقوق، مالیات‌ها افزایش پیدا می‌کند، قیمت کالاها و خدمات بالا می‌رود و هزینه‌های جانبی زندگی بیشتر می‌شود، همچنین اثر مثبت افزایش حقوق به‌سرعت خنثی خواهد شد،بنابراین پرسش اصلی به میزان افزایش حقوق محدود نمی‌شود، بلکه به هماهنگی کلی سیاست‌های بودجه‌ای بازمی‌گردد. نگاهی به لایحه بودجه‌۱۴۰۵ نشان می‌دهد وابستگی دولت به درآمدهای مالیاتی در سال‌های اخیر افزایش یافته است و این روند همچنان ادامه دارد. مالیات، به‌عنوان یکی از ابزارهای اصلی تأمین منابع عمومی در صورت طراحی درست می‌تواند به توزیع عادلانه‌تر درآمد کمک کند، اما زمانی که فشار مالیاتی بدون توجه به توان پرداخت‌افشار مختلف اعمال شود، نتیجه‌ای جز کاهش تقاضای داخلی و تضعیف رفاه عمومی نخواهد داشت. این مسئله به‌ویژه برای حقوق‌گیران و اقشار متوسط و کم‌درآمد اهمیت مضاعف دارد. اصلاح نظام مالیاتی باید بر گسترش پایه‌های مالیاتی و مقابله با فرار مالیاتی متمرکز باشد، بنابراین افزایش نرخ مالیات برای گروه‌هایی که پیش‌تر شفاف‌ترین پرداخت‌کنندگان بوده‌اند، عادلانه نیست و کارایی نظام مالیاتی را نیز زیر سؤال می‌برد. در این میان، مالیات بر ارزش‌افزوده جایگاه ویژه‌ای دارد که هرچند وصول آن ساده است، اما اثر مستقیم آن در قیمت‌ها، فشار بیشتری بر مصرف‌کنندگان نهایی وارد می‌کند و بار اصلی آن بر دوش افشار کم‌درآمد قرار می‌گیرد. نرخ مالیات بر ارزش‌افزوده که حتی فلسفه وجودی اصل آن زیر سؤال است، به پیشنهاد دولت در لایحه بودجه‌۱۴۰۵، از ۱۲ درصد افزایش یافته، البته ادعا شده است این افزایش با هدف متناسب‌سازی حقوق بازنشستگان و تأمین هزینه کارابراگراکترونیکی مطرح شده است. اگر مجلس با چنین پیشنهادی موافقت کند، یعنی نرخ مالیات بر ارزش‌افزوده کالاهای مشمول به ۱۲درصد خواهد رسید، به عبارتی فشار مالیاتی تشدید خواهد شد. نقش مجلس شورای اسلامی در این میان اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند و طبعاً در فرایند بررسی و اصلاح لایحه بودجه، مسئولیتی فراتر از پاسخگویی به مطالبات مردمی دارد و باید تصمیماتی بگیرد که وضعیت معیشت خانوارها در سال‌های آینده را تحت تأثیر منفی قرار ندهد. حتماً بایداین‌دگان نیک می‌دانند نگاه کوتاه‌مدت و غلبه ملاحظات سیاسی بر تحلیل‌های کارشناسی می‌تواند هزینه‌های بلندمدتی به همراه داشته باشد که جبران آن آسان نخواهد بود، اما شانه‌ها همه آنها تعارض منافع ندارند و به فکر منافع جمعی خواهند بود.

برخی صاحب‌نظران پیشنهاد می‌دهند تمرکز صرف بر درصد افزایش حقوق کنار گذاشته شود و سیاست‌های حمایتی هدفمند در دستور کار قرار گیرد. کاهش مالیات برای اقشار کم‌درآمد، طراحی پلانه‌های هوشمند و کنترل قیمت کالاهای اساسی از جمله ابزارهایی است که می‌تواند اثر مستقیم‌تری بر بهبود معیشت داشته باشد. اجرای درست این سیاست‌ها نیازمند شناسایی دقیق گروه‌های هدف و جلوگیری از هدررفت منابع است که همواره یکی از چالش‌های اصلی سیاست‌گذاری اقتصادی بوده است. لایحه بودجه‌۱۴۰۵ بر شرایطی به مجلس ارائه شده است که اقتصاد کشورمان با مجموعه‌ای از چالش‌ها روبه‌رو است و طبعاً در چنین شرایطی، انتخاب میان افزایش حقوق و کاهش فشار مالیاتی، نباید یک تصمیم صرفاً حسابداری تلقی شود، چه آنکه انتخابی راهبردی است که می‌تواند مسیر اقتصاد را به سمت ثبات یا بی‌ثباتی هدایت کند. اگر افزایش حقوق یا افزایش همزمان مالیات‌ها و قیمت‌ها همراه شود، نتیجه‌ای جز جابه‌جایی ظاهری اعداد در حساب‌های مالی نخواهد داشت و احساس امنیت اقتصادی در جامعه تقویت نخواهد شد، در مقابل، طراحی سیاست‌هایی که به‌طور همزمان به افزایش درآمد واقعی خانوارها و کنترل هزینه‌های زندگی توجه کند، می‌تواند زمینه‌ساز بهبود پایدار معیشت باشد.

زمینه‌ساز بهبود پایدار معیشت باید از رفاهیتی اسمی مردم را اندکی افزایش دهد و از سوی دیگر با تشدید فشارهای مالیاتی، افزایش عوارض، رشد قیمت کالاها و خدمات یا گسترش هزینه‌های پنهان، برادشت سنگین‌تری از همان جیب انجام دهد. چنین رویکردی، هر چند ممکن است در ظاهر به تعادل مظاهر بودجه‌ای کمک کند، اما در عمل به کاهش اعتماد عمومی و احساس بی‌عدالتی اقتصادی منجر خواهد شد. برخی ممکن است استدلال کنند که دولت برای پیشبرد اهداف راهبردی، تأمین امنیت اقتصادی، توسعه زیرساخت‌ها یا اداره امور جاری کشور به منابع مالی بیشتری نیاز دارد. اصل نیاز به منابع، قابل انکار نیست، اما این استدلال نمی‌تواند توجیهی دقیق، عادلانه و پایدار برای خالی‌تر کردن جیب حقوق‌گیران و افشار متوسط باشد. تأمین منابع، اگر صرفاً بر پایه فشار بر گروه‌های شفاف و کم‌قدرت اقتصادی بنا شود، عدالت مالی را مخدوش می‌کند و در بلندمدت به تضعیف پایه‌های درآمدی دولت نیز می‌انجامد.

مدیریت اقتصادی کارآمد، در شناسایی منافع جدید، فعال‌سازی ظرفیت‌های مغفول مانده و گسترش پایه‌های درآمدی سالم معنا پیدا می‌کند. مقایله موثر با فرار مالیاتی، ساماندهی معافیت‌های غیر ضرور، بهره‌گیری از دارایی‌های راکد دولتی و ایجاد بسترهای رشد تولید و سرمایه‌گذاری، مسیرهایی هستند که می‌توانند بدون فشار مستقیم بر معیشت مردم، منابع پایدار برای دولت ایجاد کنند. هنر مدیریت اقتصادی در همین نقطه آشکار می‌شود: جایی که تأمین منافع عمومی با حفظ کرامت و امنیت اقتصادی شهروندان همراه باشد. جان کلام آنکه هدف نهایی از بررسی و تصویب لایحه بودجه، باید حفظ تعادل واقعی میان درآمد خانوارها و هزینه‌های زندگی باشد.



گزارش یک
بینار قاسمی

برنجی که روزگاری غذای مشترک همه اقشار بود، امروز به کالایی تبدیل شده است که بخش بزرگی از جامعه برای خریدش باید حساب و کتاب کنند. یک دهه پیش، یخت برنج ایرانی در خانه‌های عادی بود، اما امروز برای پختپختی به مناسبتینی خاص تبدیل شده است. از ۷هزار تومان در سال ۱۳۹۴ تا ۲۳۰ تا ۴۰۰هزار تومان در سال ۱۴۰۴، مسیر ۱۰ساله‌ای طی شده است که در آن، قدرت خرید مردم جا مانده و سفره‌ها کوچک‌تر شده‌اند. خلاصه گفتار درمائی وزیر جهاد و رئیس‌جمهور در خصوص ارزان‌شدن قیمت برنج نیز بی‌فایده بود. وزیر جهاد کشاورزی مدعی است قیمت برنج ارزان می‌شود اما شرایط بازار از حذف این کالای مهم از سبد معیشت خانوار حکایت دارد. در چنین شرایطی واردکنندگان که از بهمن ماه پارسال ارز ترجیحی دریافت نکرده‌اند، به‌دره دنبال تسویه بدهی گذشته‌شان و تخصیص ۳۰۰میلیون دلاراز برای واردات ۶۰۰هزار تن برنج برای ایام پایانی سال هستند. عضو هیئت مدیره انجمن واردکنندگان برنج در این خصوص گفت: دولت همزمان با حذف ارز ترجیحی برنج، مالیات پسر ارزش‌افزوده را از یک‌درصد به ۱۰درصد افزایش داده و فشار تورمی بیشتری به مصرف‌کننده تحمیل کرده است. اگر نرخ ارز در تالار دوم ۱۱۰هزار تومان ثابت ماند و ارز هم به سرعت تخصیص یابد، بدون هزینه انبارداری، حمل‌ونقل، سود بازرگان و مالیات، قیمت تمام‌شده ۱۴۳هزار تومان خواهد بود. به‌طور تقریبی قیمت برنج پاکستانی در مبادی ورودی ۱۸۰هزار تومان و برنج هندی ۱۳۵ تا ۱۴۰هزار تومان خواهد بود. قطعاً تمام این پیش‌بینی‌ها و رفع التهابات بازار ارز در گر و بازرسدن قفل تخصیص ارز است که به دست بانک مرکزی باز می‌شود.

برنج دیگر فقط یک کالای خوراکی نیست، هر دانه‌اش نشانی از تورم انباشته، افت قدرت خرید و فشار معیشتی است. براساس داده‌های رسمی مرکز آمار ایران در مهرماه ۱۴۰۴، متوسط قیمت برنج ایرانی درجه یک در بازار خردفروشی به حدود ۳۲۰۰ + ۴۰هزار تومان رسیده است، در حالی که همین رقم در مهر سال گذشته حدود ۱۲۰هزار تومان بود، یعنی در فاصله ۱۲ ماهه، قیمت این کالای اساسی تقریباً ۷۵/۵برابر شده است. برنج خارجی هم در ماه‌های اخیر رشد چشمگیری داشته و در مهر امسال به‌طور میانگین حدود ۹۵هزار تومان فروخته شده است؛ رقمی که نسبت به شهریور همین سال نزدیک به ۸درصد و در مقایسه با مهر پارسال نزدیک به ۹۰درصدافزایش یافته است. بااین روند، حتی برنج خارجی هم دیگر آن جایگزین اقتصادی سابق نیست و برای بسیاری از خانواده‌ها به کالایی نسبتاً گران تبدیل شده است. مقایسه تاریخی این اعداد تصویر روشنی از عمق تورم در یک دهه گذشته را نشان می‌دهد. در سال ۱۳۹۴، بر اساس داده‌های بانک مرکزی، میانگین قیمت هر کیلو برنج ایرانی ممتاز حدود ۷هزار۵۰۰ تومان و برنج خارجی حدود ۴هزار تومان بود. به بیان ساده، قیمت برنج ایرانی طی ۱۰ سال بیش از ۴۰برابر و قیمت برنج خارجی به بیش از ۲۴برابر شده است. در همان سال، حداقل حقوق کارگران حدود ۷۱۲هزار تومان بود. با این رقم، یک خواروبی می‌توانست نزدیک به ۹۵کیلو برنج ایرانی بخرد؛ اما در سال ۱۴۰۴، با حداقل حقوق ۱۰میلیون و ۹۰هزار تومان همین خانواده فقط قادر به خرید ۲۷ تا ۳۱کیلو برنج ایرانی است. این مقایسه ساده، شکاف میان دستمزد و هزینه

زندگی را بهتر از هر شاخص اقتصادی دیگری آشکار می‌کند. در حالی که طی ۱۰سال گذشته حداقل دستمزد حدود ۱۲برابر رشد کرده، قیمت برنج ۴۰برابر افزایش یافته است، در نتیجه سهم برنج از سبد مصرفی خانوارها به‌شدت کاهش یافته و بسیاری از مردم ناچار به حذف یا جایگزینی آن شده‌اند.

از بهمن ماه سال گذشته، دولت مدام از تخصیص ارز ترجیحی برنج سخن گفته در حالی که از آن تاریخ تاکنون هیچ ارزی برای واردات تخصیص نیافته است. نگاهی به آمار واردات برنج نشان می‌دهد واردات برنج در فوردرین امسال که ۸۵هزار تن بوده، اردیبهشت به ۱۲۲هزار تن، خرداد ماه به ۲۲۵هزار تن و در آبان ماه به ۵۰هزار تن کاهش یافته است.

اکنون برای تأمین برنج مورد نیاز در ماه‌های پایان سال به ۶۰۰هزار تن واردات نیاز داریم که با ارز تالار دوم که شاور است، قرار است وارد شود، البته به شرطی که بانک مرکزی ۳۰۰میلیون دلار برای واردات ارز بر پرداخت کند. به گفته فعالان بازار از بهمن ماه سال گذشته که شیر واردات برنج بسته و تخصیص ارز متوقف شده تاکنون دولت صرفاً با گفتار درمائی تلاش کرده است مردم را به کاهش قیمت برنج امیدوار کند. تابستان وعده ارزانی در شهریور را داد و در شهریور وعده ارزانی را پاییز نشد، بلکه قیمت برنج خارجی ناپای و برنج ایرانی به خرید گران‌تر به سه برابر افزایش یافته است. برنجی را که با نرخ ۴۵هزار تومان از واردکننده خریداری کرده بود با نرخ‌های ۹۰ تا ۱۳۰هزار تومان وارد بازار کرد و در کمتر از یک ماه ارز ترجیحی برنج حذف و برنج خارجی ناپاب شد، به همین راحتی هم انبار برنج خالی شد و هم قیمت‌ها بالا رفت. به این ترتیب سوء مدیریت در وزارت جهاد کشاورزی که بین این وزارتخانه و بانک مرکزی پاسکاری می‌شود، هم بار

را به هم ریخت و هم سفره‌های مردم را از برنج خالی کرد. نکته قابل تامل این است، در حالی که همه برنج‌های وارداتی به بازگانی دولتی منتقل شده بود، وزیر جهاد کشاورزی از گرانفروشی واردکنندگان سخن می‌گفت و به مردم و افکار عمومی آدرس غلط می‌داد. در حالی که نخستین گرانفروشی برنج توسط شرکت بازرگانی دواتی اتفاق افتاد، اکنون واردکنندگان به دنبال تخصیص ارز برای واردات هستند. وزارت جهاد کشاورزی وعده داده است ۳۰۰میلیون دلار ارز برای واردات ۶۰۰هزار تن برنج در ماه‌های پایانی سال تخصیص یابد، اما نکته اصلی قیمتی است که به دست مصرف‌کننده می‌رسد.

■ **برنج پاکستانی ۱۸۰هزار تومان و برنج هندی ۱۲۵هزار تومان به گمرک می‌رسد**

عضو هیئت مدیره انجمن واردکنندگان برنج در نشست خبری - تحلیلی بازار برنج در پاسخ به سؤال «چون» در سربار پیش‌بینی قیمت برنج با توجه به شنایربودن نرخ ارز در تالار دوم بورس گفت: قیمت برنج وارداتی از این به بعد به دلیل نوسان نرخ ارز تالار دوم شاور می‌شود اما اگر در نرخ ۱۱۰هزار تومان تثبیت شود، قیمت برنج پاکستانی ۱۸۰هزار تومان و برنج هندی ۱۳۵ تا ۴۰هزار تومان به گمرکات می‌رسد. وی افزود: اعضای انجمن واردکنندگان بنگاه‌داری، سود تاجر و مالیات بارزش ارزش‌افزوده‌ای است که از یک‌درصد اخیراً به ۱۰درصد رسانده‌اند. شجاع برزگر افزود: به محاسبه هزینه‌های فوق قطعاً برنج گران‌تر به سه برابر افزایش یافته است. البته تمام این احتمالات به شرطی است که قفل ارز به دست بانک مرکزی باز شود، والا هر تصمیم دیگری برای این بازار و سروسامان یافتن قیمت‌ها بی‌نتیجه خواهد بود. در شرایطی که هنوز ارزی دریافت نکرده بودند، در ایام حمله اسرائیل به کشور، حدود ۱۰هزار تن برنج را با قیمت‌های مصوب برای تنظیم بازار در اختیار وزارت جهاد کشاورزی و شرکت واردکنندگان دولتی قرار دادند، اما تأخیر ۱۰ماهه در پرداخت ارز باعث شد بسیاری از شرکت‌های کوچک در آستانه ورشکستگی قرار گیرند.

اقتصاد

سرویس اقتصادی ۸۸۵۲۳۰۶۰

«قفل ارزی» ریشه التهاب بازار برنج

برنج ۱۴۳هزارتومانی در راه است؟

اگر نرخ ارز در تالار دوم ۱۱۰هزار تومان ثابت بماند و ارز هم به سرعت تخصیص یابد، بدون هزینه انبارداری، حمل‌ونقل، سود بازرگان و مالیات، قیمت تمام‌شده برنج ۱۴۳هزار تومان خواهد بود



فرج‌صدی ایرنا

■ **تأمین‌کنندگان هندی و پاکستانی دیگر برنج را به مقصد بنادر ایران حمل نمی‌کنند**
این نماینده واردکنندگان با اشاره به تغییر مسیر تأمین برنج گفت: تأمین‌کنندگان هندی و پاکستانی به دلیل بی‌اعتمادی ایجادشده، از ارسال مستقیم محموله به ایران خودداری می‌کنند و کالا را تنها در بندر جبل‌علی امارات تحویل می‌دهند که هزینه‌ای معادل ۵۰ تا ۶۰دلار به ازای هر تن به واردکننده تحمیل کرده و به خروج غیررسمی ارز از کشور منجر شده است. وی یکی از راهکارهای فوری را حذف سهمیه‌بندی واردات، مشابه دو سال گذشته دانست و تصریح کرد: تداوم سهمیه‌بندی فقط باعث انتقال سهم تولید داخلی حدود ۲میلیون تن سهم واردات در ۱۵میلیون تن است. سخنگوی انجمن واردکنندگان به آمار واردات در سه سال اخیر اشاره کرد و گفت: در سال‌های ۱۴۰۲، ۱۴۰۱ و ۱۴۰۰، مجموعاً ۲۳میلیون تن واردات صورت گرفته است. خاکی با اشاره به خشکسالی شدید امسال و کاهش تولید تأکید کرد: برآورد وزارت جهاد کشاورزی از تولید ۱/۷میلیون تن بوده است، اما مرکز آمار سطح زیر کشت را ۴۹۱هزار هکتار اعلام کرده که نشان‌دهنده انحراف فاحش از برآوردهای اولیه است. وی افزود: در آرمانی‌ترین شرایط، تولید ما تنها ۲میلیون تن بوده است، یعنی ۷۰هزار تن انحراف از برآورد داشته‌ایم.

■ **اختلال در زنجیره و افزایش قیمت**
این مقام صنفی تأکید کرد که آر امش نسبی بازار تا شهریور ماه تا اازام تحویل کالا به شرکت بازرگانی دولتی ایران ادامه داده است، اما در شهریور ماه به بعد هیچ برنجی در اختیار واردکننده نیست. دلایل کیفی و شرایط نقد بودن معامله، واردات برنج پاکستانی را کاهش داده است. خاکی تصریح کرد: تقاضا به شدت بالا رفت، زیرا برنج ایرانی گران شد. عدم قطعیت و تخلفاتی نظیر احتکار و گرانفروشی در حلقه‌های بعد از واردکننده، باعث شد تقاضا از هزینه سبقت بگیرد. وی همچنین پیگیری‌های این نتیجه برای تخصیص ۲۲۷میلیون یوروی مصوب شده برای ماه‌های بهمن و اسفند اشاره کرد و گفت که این تخصیص‌ها همچنان در حد «مروژ و فردا» باقی مانده است.

شکاف‌هایی در سیاستگذاری، احساس بی‌عدالتی را در جامعه تقویت می‌کند و اعتماد عمومی به نهادهای اقتصادی را کاهش می‌دهد. در کنار بحث تعرفه‌ها، موضوع نحوه تصویب این افزایش نیز مورد توجه قرار گرفته است. بر اساس اطلاعات ارائه‌شده، اعمال فشارهای اداری و ضعف هماهنگی میان دستگاه‌ها، در نهایت شدن این مصوبه نقش داشته است، بنابراین این موضوع در قالب پرسش رسمی از مسئولان ذی‌ربط دنبال خواهد شد تا مشخص شود فرایند کارشناسی و قانونی تا چه حد رعایت شده است. ابعاد نظارتی ماجرا به همین جا ختم نمی‌شود. گزارش‌هایی درباره وضعیت تجهیزات کنترلی گمرک نیز مطرح شده است که از تملل در تعمیر و نگهداری برخی دستگاه‌های آشکار ساز حکایت دارد. به گفته علی خضریان «اخبار موقفی نیز از جریان‌سازی برخی مدیران گمرک در عدم تعمیر دستگاه‌های آشکارساز و گروگان گرفتن امنیت مردم حقوق کارکنان دولت با درصدی محدود مطرح ولی است. در گذشته تذکرات لازم به وزیر امور اقتصادی و دارایی داده شده و در طرح سؤال جداگانه‌ای که از وزیر مربوط به ثبت رسیده است، در آینده نزدیک

پنج‌شنبه ۴ دی ۱۴۰۴ | ۴ رجب ۱۴۴۷

گفت: در حال حاضر برنج هندی و پاکستانی به ندرت در فروشگاه‌ها و مغازه‌های سطح شهر یافت می‌شود، بااین حال در صورت پرداخت معوقات ارزی، واردکنندگان آمادگی دارند حداقل ۶۰۰هزار تن برنج تا پایان سال وارد کنند و بازار را به تعادل برسانند. به گفته این عضو انجمن، از شهر بورماه امسال عملاً تنظیم بازار از دست واردکنندگان خارج و تمامی برنج‌های وارداتی در اختیار شرکت بازرگانی دولتی قرار گرفته است، در حالی که بخشی از این کالاها با قیمت‌های بسیار پایین از واردکننده تحویل گرفته شده و با نرخ بالاتری در بازار عرضه شده‌اند؛ موضوعی که خود به افزایش قیمت مصرف‌کننده دامن زده است. وی با اشاره به حذف ارز ترجیحی برنج و تأمین ارز از تالار دوم تصریح کرد: تا زمانی که نرخ ارز تالار دوم شاور باشد، قیمت برنج نیز ثبات نخواهد داشت، بااین‌حال اگر بانک مرکزی به صورت مشخص ۳۰۰میلیون دلار از تالار دوم با نرخ ثابت در اختیار واردات برنج قرار دهد، نه تنها تا این سال بلکه تا اردیبهشت سال آینده نیز هیچ مشکلی در تأمین این کالای استراتژیک وجود نخواهد داشت.

■ **معوقات ارزی» پاشنه آشیل سیاست‌های بازار برنج**
دبیر انجمن واردکنندگان برنج ایران گفت که معوقات ارزی ۱/۲ میلیارد یورویی، هر سیاستی را در بازار برنج تا نام می‌گذارد. مجیدرضا خاکی، دبیر و سخنگوی انجمن واردکنندگان برنج ایران در این نشست خبری با تشریح «تحلیل بازار برنج بر بررسی چالش‌های حوزه تأمین» اعلام کرد که عدم پرداخت معوقات ارزی بیش از ۱/۲میلیارد یورویی به واردکنندگان، مهم‌ترین مانع پیش روی ثبات بازار است و تا زمانی که این مشکل حل نشود، هیچ سیاست دیگری در بازار برنج موفق نخواهد بود. خاکی وضعیت فعلی بازار را نتیجه‌شواهد میدانی دانست که نشان می‌دهد سیاست‌های اعمالی بدون حل این ریشه اصلی، بی‌نتیجه خواهند ماند. وی با مرور وضعیت تأمین برنج کشور اعلام کرد که سهمیه‌بندی بلندمدت نیاز سالانه ۵/۸میلیون تن است که سهم تولید داخلی حدود ۲میلیون تن سهم واردات در ۱۵میلیون تن است. سخنگوی انجمن واردکنندگان به آمار واردات در سه سال اخیر اشاره کرد و گفت: در سال‌های ۱۴۰۲، ۱۴۰۱ و ۱۴۰۰، مجموعاً ۲۳میلیون تن واردات صورت گرفته است. خاکی با اشاره به خشکسالی شدید امسال و کاهش تولید تأکید کرد: برآورد وزارت جهاد کشاورزی از تولید ۱/۷میلیون تن بوده است، اما مرکز آمار سطح زیر کشت را ۴۹۱هزار هکتار اعلام کرده که نشان‌دهنده انحراف فاحش از برآوردهای اولیه است. وی افزود: در آرمانی‌ترین شرایط، تولید ما تنها ۲میلیون تن بوده است، یعنی ۷۰هزار تن انحراف از برآورد داشته‌ایم.

■ **اختلال در زنجیره و افزایش قیمت**
این مقام صنفی تأکید کرد که آر امش نسبی بازار تا شهریور ماه تا اازام تحویل کالا به شرکت بازرگانی دولتی ایران ادامه داده است، اما در شهریور ماه به بعد هیچ برنجی در اختیار واردکننده نیست. دلایل کیفی و شرایط نقد بودن معامله، واردات برنج پاکستانی را کاهش داده است. خاکی تصریح کرد: تقاضا به شدت بالا رفت، زیرا برنج ایرانی گران شد. عدم قطعیت و تخلفاتی نظیر احتکار و گرانفروشی در حلقه‌های بعد از واردکننده، باعث شد تقاضا از هزینه سبقت بگیرد. وی همچنین پیگیری‌های این نتیجه برای تخصیص ۲۲۷میلیون یوروی مصوب شده برای ماه‌های بهمن و اسفند اشاره کرد و گفت که این تخصیص‌ها همچنان در حد «مروژ و فردا» باقی مانده است.

باید برای پاسخگویی در مجلس حاضر شوند.» تحقیق و تفحص در حال انجام از گمرک، بستری برای بررسی دقیق‌تر این مسائل فراهم آورده و اعلام شده است عملکرد چندسته تعاونی مرتبط، نحوه دریافت خدمات، میزان درآمدها و شیوه هزینه کرد آنها به صورت مستند بررسی خواهد شد. هدف از این اقدام، شفاف‌سازی و پاسخگویی به افکار عمومی عنوان شده است که می‌تواند به اصلاح رویه‌ها و پیشگیری از تکرار چنین مواردی کمک کند. مجلس در مواضع خود تأکید کرده است که رویکردش در این پرونده، تقابلی با سیاسی نیست، بلکه مبتنی بر وظیفه نظارتی و سیاست از منافع عمومی است. این منظر، هیچ نهادهی فراتر از نظارت قرار ندارد و امنیت اقتصادی و حقوق مردم، خط قرمزى است که باید در همه تصمیم‌ها رعایت شود. کارشناسان اقتصادی نیز بر این باورند که اصلاح ساختار گمرک، نیازمند شفافیت، رقابت‌پذیری و فاصله گرفتن از مدل‌های انحصاری است. به اعتقاد آنها، گمرک باید تمرکز خود را بر تسهیل تجارت، کاهش زمان ترخیص کالا و توسعه سامانه‌های هوشمندنگذارد، نه اینکه مسیرهای درآمدی پر هزینه برای فعالان اقتصادی ایجاد کند، البته از دولت انتظار می‌رود در سالی که باید به فکر توسعه سرمایه‌گذاری برای تولید باشد از دست‌اندازی در مسیر تولیدکنندگان و کسانی که برای تأمین مواد اولیه مجبور هستند به خواسته‌های انحصارگرایانه گمرک تن دهند، جلوگیری کند.